



## دادسرای انتظامی قضات

■ قاضی مشتکی عنه مجاز به مداخله در پرونده مربوط به دیه (بدون ارتباط موضوع با پرونده مورد بحث) و صدور دستور فروش ملک (متعلق به دیگری) و پرداخت بخشی از ثمن حاصله بابت دیه... نبوده است.

دادنامه شماره ۵۳۰۸۱/۹/۲۱ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات

گردشکار: معاون اول دادستان انتظامی قضات به موجب کیفرخواست شماره ۲۹-۸۱/۱/۲۷ صادره در پرونده کلاسه ۸۱/۷/۳۱۷ انتظامی آقای... دادرسی وقت شعبه... دادگاه عمومی... را در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۵۶/۷۹ شعبه... دادگاه عمومی شهر... بر اساس نظریه آقای... دادیار و آقای... معاون دادسرای انتظامی قضات متخلف اعلام و به استناد ماده (۲۰) نظامنامه با رعایت ماده (۲۵) به سبب ۱۱ فقره سابقه محکومیت انتظامی و ۴ فقره تعلق از خدمت و ۵ فقره کیفرخواست انتظامی مجازات او را نقاضا کرده است.

آقای... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: ۱- مطابق ذیل ماده (۱۹۳) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، دادگاه مکلف است پس از پایان مذاکرات طرفین نسبت به اخذ آخرین دفاع

متهم اقدام سپس مبادرت به صدور رأی نماید در حالی که دادرسی بدون اخذ آخرین دفاع انشاء رأی نموده است.

۲- موضوع پرونده فروش ملک ۶۴ متر مربعی بوده که ۲۴ متر آن به ادعای شاکی در طرح اصلاحی قرار داشته، دستور دادرسی بر فروش ملک توسط واسطه معامله و پرداخت ۹ میلیون ریال از ثمن حاصل از فروش بابت دیه که مشتکی عنه پرونده به علت عدم تأدیبه آن به محکوم له در زندان بسر می برد هیچگونه ارتباطی به پرونده مشارالیه نداشته و قاضی مشتکی عنه مجاز به مداخله در پرونده مربوط به دیه، یا فروش ملکی که متعلق حق دیگری است نبوده است.

پس از صدور کیفرخواست و ابلاغ آن به قاضی مشتکی عنه در تاریخ ۱۶/۳/۸۱ لایحه دفاعیه ای تاکنون از وی واصل نشده است.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل می شود پس از قرائت گزارش پرونده و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده (۴۱) قانون اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر (صدور حکم دادرسی بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه بر اساس کیفرخواست صادره مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می نماید.

رأی دادگاه:

صدور دستور فروش ملک توسط بنگاه معاملات املاک و پرداخت بخشی از ثمن حاصله بابت دیه مشتکی عنه در پرونده دیگری بدون ارتباط موضوع با پرونده مورد بحث برخلاف موازین قانونی و شرعی است.

لذا آقای... دادرسی وقت شعبه... دادگاه عمومی شهر... را به استناد ماده (۲۰) نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات با رعایت ماده (۲۵) نظامنامه مرقوم به لحاظ سوابق متعدد نامبرده به شرح کاردرکس ارسالی دادسرای انتظامی قضات به یک سال انفصال موقت از خدمات قضائی محکوم می نماید. در مورد عدم اخذ آخرین دفاع چون نظر وی بر براءت متهم بوده تخلفی احراز نشد. رأی صادره ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در هیأت تجدیدنظر انتظامی است.

■ هر چند ممکن است شکات عناوین مختلفی را در شکوائیه خود بیاورند ولی قاضی وظیفه دارد جرم را با قوانین موضوعه انطباق داده و حکم قضیه را صادر نماید... دادنامه شماره ۲۱۴۸۱/۱۰/۲۲ تا ۲۱۲۲

شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات خلاصه پرونده: دادسرای انتظامی قضات به

موجب کیفرخواستهای شماره ۱۴ تا ۱۶ مورخ ۸۱/۶/۲۷ علیه آقایان ۱- (م. ک) رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس ۲- (م. ا) رئیس شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان ۳- (م. ح) مستشار شعبه مزبور اعلام تخلف نموده است گزارش تنظیم شده مفصل است ولی اجمال تخلفات اعمال شده چنین است:

۱- شکایت آقای (ن. خ) از آقای (ا. ن) صدور چهار فقره چک بلامحل بوده معذلتک شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس در دادنامه شماره ۱۸۴۷ مورخ ۷۶/۱۱/۲۷ عنوان بزه را خیانت در امانت معرفی کرده که انطباقی بر متن شکوایتی نداشته.

۲- بقیه شکات نیز در عرض حال خود مطلبی در خصوص خیانت در امانت عنوان ننموده اند... با این ترتیب شکایت مشارالیه در محدوده صدور چک بلامحل قابل بررسی بوده و دادگاه می بایست در راستای تطبیق عمل متهم با بزه صدور چک بلامحل تحقیقات کافی مبذول و نهایتاً در این رابطه مبادرت به اثناء رأی می نمود در حالی که طبق دادنامه صدرالذکر موضوع را به نحو غیر مستدلی خیانت در امانت اعلام کرده... بر همین اساس شعبه ۱۱ دیوانعالی کشور معترض آن شده و رأی مزبور و همچنین دادنامه شماره ۲۵۶-۷۸/۴/۵ شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان را که در تأیید رأی بدوی صادر گردیده نقض کرده است.

۳- صدور حکم به رد مال جنبه مدنی داشته و نیاز به تقدیم دادخواست و تقویم آن و الصاق هزینه دادرسی دارد.

۴- طبق نیابت قضائی شعبه... بندرعباس متهم از تاریخ ۷۴/۱۲/۱۰ توسط دادگاه معطی نیابت (قم) در بازداشت بوده شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس تکلیف داشته با توجه به زندانی دار بودن پرونده عاجلاً نسبت ادامه رسیدگی... اقدام و تکلیف زندانی را در اسرع وقت ممکن تعیین نماید شعبه مذکور صرفاً با انجام چند مکاتبه زائد با دادگستری قم پرونده را مقید به وقت نظارت کرده و در تاریخ ۷۶/۱۱/۲۸ یعنی حدود دو سال بعد از بازداشت متهم اقدام به صدور رأی کرده و چنین برخورد غیر مسؤولانه ریاست دادگاه از مصادیق بارز تعلل و طفره در انجام وظیفه محسوب می گردد.

۵- اتهاماتی که به متهم تفهیم شده صدور چک بلامحل و کلاهبرداری بوده و در هیچ زمانی خیانت در امانت به نامبرده تفهیم نگردیده معذلتک دادگاه بدوی حکم بر محکومیت مشارالیه به علت خیانت در امانت صادر کرده و این حکم در شعبه... دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است.

۶- دادگاه بدوی آخرین دفاع نگرفته و از این حیث نیز تخلف نموده است.

۷- شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان

بدون اعلام ختم دادرسی اقدام به صدور رأی نموده که به علت مذکور و همچنین به لحاظ اینکه خارج از مهلت یک هفته ای قانونی رأی داده و بدین جهت تعلل و مسامحه نموده است.

۸- بعد از اعاده پرونده از دادگاه تجدیدنظر به دادگاه بدوی (توضیح اینکه چون دادگاه تجدیدنظر قبل از صدور رأی تحقیقاتی را در خصوص چک بلامحل ضروری دانسته پرونده را به دادگاه بدوی اعاده داده تا دستور مرجع تجدیدنظر را عمل نماید که دادگاه بدوی پس از تحقیقات و رسیدگی سرانجام رأی به منع تعقیب در خصوص چک بلامحل صادر نموده است) دادگاه نخستین بدون توجه به عدم احضاریه هفت نفر از شکات جلسه رسیدگی را فقط با حضور متهم تشکیل داده است اولاً هیچگونه اتهامی در خصوص صدور چک بلامحل تفهیم نشده و آخرین دفاع نیز اخذ نگردیده و ثانیاً دادگاه قرار منع تعقیب متهم را به لحاظ فقد دلیل صادر نموده است معلوم می شود آقای رئیس دادگاه توجهی به معنای قرار منع تعقیب و تفاوت آن با براءت ندارد.

ثالثاً دادگاه به تکلیف قانونی خود در خصوص صدور رأی ظرف حداکثر یک هفته از تاریخ رسیدگی عمل نکرده است رابعاً همانطوری که در رأی شماره ۱۱ دیوانعالی کشور نیز انعکاس یافته دادگاه بدوی تکلیف داشته در رسیدگی به موضوع چک بلامحل ابتدا تحقیقات لازم منجمله مطالبه اصل چکها و گواهیهای عدم پرداخت از شکات را انجام و سپس مبادرت به صدور رأی نماید شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس هیچگونه تلاشی در رابطه با وظائف قانونی خود صورت نداده دادیار محترم دادرسی انتظامی قضات در پایان چنین نظر داده که تخلفات آقایان (م. ک) رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس (م. ا و م. ح) رئیس و مستشار شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان محقق می باشد انهایی با توجه به اینکه تخلفات از تکابیی آقای (م. ک) در دادنامه شماره ۱۸۴۷ مورخ ۷۶/۱۱/۲۷ و اقدامات مشارالیه تا قبل از صدور رأی مذکور عنایتاً به تاریخ تسلیم شکوائیه انتظامی (۷۸/۱۲/۱۰) مشمول مرور زمان تعقیب گردیده نسبت به موارد مذکور مستنداً به ماده ۳۱ قانون استخدام قضات عقیده بر موقوف ماندن تعقیب داشته و در سایر موارد بر صدور کیفرخواست در حق قضات نامبرده ابراز عقیده کرده است و پس از موافقت دادستان محترم انتظامی کیفرخواست صادر گردیده است آقایان قضات یاد شده به موجب لوایحی که فرستاده اند از خود دفاع نموده اند که هنگام شور قرائت خواهد شد.

هیأت شعبه در تاریخ فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش و کیفرخواست و لایحه دفاعیه و کسب نظر نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات اجمالاً مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی به شرح ذیل اقدام به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه

آقای (م. ک) رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی بندرعباس در موارد ذیل متخلف است.

۱- پرونده ای که موضوع آن چک بلامحل بوده را تحت عنوان خیانت در امانت رسیدگی و حکم به محکومیت متهم داده است هر چند ممکن است شکات عناوین مختلفی را در شکوائیه خود بیاورند ولی قاضی وظیفه داشته جرم را یا قوانین موضوعه انطباق داده و حکم قضیه را صادر نماید در مانحن فیه در اینکه جرم مطروحه چک بلامحل بوده هیچگونه شبهه ای نیست به خصوص اینکه دیوان عالی کشور نیز همین امر را دلیل نقض رأی قرار داده است

۲- محکومیت متهم به رد مال که جنبه حقوقی داشته.

۳- معطل گذاشتن پرونده زندانی دار حداقل از تاریخ مهر ماه ۱۳۷۵ (تاریخ انتقال قاضی نامبرده به بندرعباس و اشتغال در شعبه... تا تاریخ ۷۶/۴/۱۲.

۴- عدم تفهیم اتهام چک بلامحل و نگرفتن آخرین دفاع.

۵- صدور قرار منع تعقیب به جای رأی براءت در پرونده امر (در خصوص چک بلامحل) حال اینکه استدلال به فقد دلیل شده است.

۶- تخطی از مهلت مقرر قانونی برای اتخاذ تصمیم

۷- اهمال در انجام وظیفه (عدم تحقیقات لازم) بنابراین با انطباق تخلفات یاد شده با مواد ۱۴ و ۲۰

نظامنامه راجع به انواع تقصیرات قضات به کسر خمس حقوق برای مدت سه ماه محکوم می گردد در سایر موارد اعلام شده چون بند دوم کیفرخواست با قسمت چهارم از بند هشتم یک تخلف محسوب می شود و در بند ۷ این رأی منظور شده و نیز بند پنجم کیفرخواست در قالب بندهای اول و دوم آن می گنجد و در بند اول این رأی منظور است فلذا تخلف جداگانه ای نمی باشد و در این موارد تیره می گردد و اما آقایان

۱- (م. ا) رئیس شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان.

۲- (م. ح) مستشار آن شعبه.

۱- از این جهت که رأی مخدوش شعبه... دادگاه عمومی را طی دادنامه ۲۵۶-۷۸/۴/۵ خود تأیید کرده اند.

۲- ختم دادرسی را اعلام نکرده اند.

۳- تخطی از مهلت مقرر قانونی در صدور رأی داشته اند متخلف تشخیص و مستنداً به ماده ۲۰ نظامنامه یاد شده هر کدام به کسر عشر حقوق برای مدت سه ماه محکوم می گردند این رأی قطعی است.

■ عدم توجه به مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳۷۸/۲/۱۴ هیأت عمومی دیوانعالی کشور و محکوم نمودن زوج به اتهام ترک انفاق تخلف انتظامی است.

دادنامه شماره ۳۰/۹/۸۱/۲۷۶ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات

خلاصه جریان پرونده: آقای (ع. ک) فرزند (ر) ساکن تهران طی چند فقره شکوایه تقدیمی به ریاست محترم قوه قضائیه و دادسرای انتظامی قضات از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۵۲/۱۷۰۸/۸۰ مطروح در شعبه... دادگاه عمومی تهران به ریاست آقای (ک) اعلام شکایت انتظامی نموده که پس از ثبت شکوایه در دادسرای انتظامی و مطالبه و ملاحظه پرونده محلی و محاکماتی مربوطه از مجتمع قضائی خانواده، ضمن تهیه گزارش مورخ ۸۱/۲/۱۱ توسط آقای دادیار انتظامی اجمالاً اعلام شده که خانم (ف. پ) در تاریخ ۸۰/۲/۱۷ به موجب شکوایه تقدیمی به مجتمع قضائی خانواده از همسرش آقای (ع. ک) تحت عنوان ترک انفاق شکایت می نماید که بعد از ارجاع امر به شعبه... دادگاه عمومی تهران آقای... رئیس شعبه دادگاه مذکور، مقرر می دارد ضمن تشکیل و ثبت پرونده مأمورین انتظامی در خصوص شکایت شاکیه از شوهرش و مطلعین تحقیق و سپس پرونده را عودت و طرفین را معرفی نمایند.

در تحقیقات اولیه انجام شده در پاسگاه انتظامی آقای (ع. ک) در قبال شکایت همسرش اظهار داشته، شکایت همسرم کذب است من حاضر به زندگی با همسر هستم ولی ایشان با طرح دعوی مطالبه مهریه در دادگاه حاضر به ادامه زندگی نیست و در منزل پدرش زندگی می کند و حاضر به تمکین نشده است.

در همان تاریخ دادگاه شکایت شاکیه را استماع و به آقای (ع. ک) به عنوان ترک انفاق تفهیم اتهام نموده و با اخذ آخرین دفاع مقرر داشته متهم تا صبح روز بعد تحت نظر باشد و در روز بعد متهم به همراه شناسنامه خود در دادگاه حاضر و معرفی می شود. مأمورین انتظامی حسب دستور دادگاه در تاریخ ۸۰/۲/۱۹ آقای (ع. ک) را به دادگاه معرفی می کنند و دادگاه مجدداً از طرفین در خصوص ترک انفاق تحقیق نموده و درباره شاکی انتظامی، قرار تأمین کفالت به وجه الکفاله مبلغ سه میلیون تومان صادر می نماید که ظاهراً به جهت عدم معرفی کفیل متهم به زندان معرفی می شود و دادگاه با اعلام ختم رسیدگی به موجب دادنامه شماره... با احراز بزهکاری زوج مبنی بر ترک انفاق به استناد ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آقای (ع. ک) را به پنج ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم نموده است.

با ابلاغ رأی صادره به متهم و درخواست رسیدگی تجدیدنظر پرونده جهت رسیدگی تجدیدنظر به شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع شده و آن شعبه هم با پذیرش اعتراض زوج به استدلال اینکه زوج شاکیه بکره غیرمدخوله بوده و حاضر به تمکین از زوج نشده و برای مطالبه مهریه خود علیه زوج اقامه دعوی نموده و تمکین خود را موکول به وصول کل مهریه مافی القباله کرده و برابر رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳-۷۸/۲/۱۴ هیأت

عمومی دیوانعالی کشور، در اینگونه موارد مطالبه نفقه امری حقوقی تلقی می شود و نه امر جزائی، با مخدوش دانستن رأی معترض علیه ضمن فسخ رأی صادر شده از شعبه... دادگاه عمومی تهران حکم برائت آقای (ع. ک) را از اتهام ترک انفاق صادر نموده است. بر این اساس آقای دادیار دادسرای انتظامی قضات طی نظریه ابرازی، اقدام دادگاه عمومی شعبه... را از حیث عدم توجه به رأی وحدت رویه ذکر شده و محکوم نمودن زوج و نیز از حیث عدم پذیرش کفیل معرفی شده که مالاً موجب بازداشت شاکی انتظامی شده است تخلف انتظامی دانسته و در اجرای ماده (۴۲) قانون اصول تشکیلات پرونده را به نظر آقای معاون دادسرای انتظامی قضات رسانده است معاونت محترم دادسرای انتظامی با ملاحظه اظهار نظر آقای دادیار تعقیب انتظامی آقای... را در حد شمول قسمت اخیر ماده (۲۰) نظامنامه پذیرفته و در مورد سایر قضات عقیده به منع تعقیب انتظامی داشته و در مورد سایر عناوین مطرح شده در شکوایه نیز بر بایگانی شدن پرونده اظهار نظر نموده که این اظهار نظر معاونت دادسرا به تأیید ریاست محترم دادسرای انتظامی رسیده و کیفرخواست شماره ۸۱/۲/۱۸-۱۰۲ علیه آقای... تنظیم و به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات درخواست تعیین مجازات انتظامی آقای قاضی مشارالیه شده است.

با ارجاع پرونده به این شعبه و ارسال و ابلاغ تصویر کیفرخواست تنظیمی به آقای... نامبرده به موجب لایحه تسلیمی که در چهار صفحه تنظیم و به شماره ۱۳۶۲-۸۱/۴/۲ ثبت دفتر دادگاه گردیده، دفاعاً اظهار داشته اینجانب نزدیک به سی سال سابقه خدمت قضائی دارم که مدت ۱۹ سال آن در سازمان بازرسی کل کشور به سمت بازرس قضائی در امور وزارت کشور و شهرداریها خدمت کرده ام و در سال ۷۹ بدون کسب تمایل ابلاغ تصدی شعبه... دادگاه خانواده به دستم رسید و از ۸۰/۱/۲۵ در آن شعبه مشغول به کار هستم و به لحاظ نداشتن دادرس و کثرت پرونده های ابواب جمعی اعم از وقتی و نظارت و پاسخگویی به مراجعین بیشمار و دور بودن از دادگاهها به یکباره وارد این دریای بیکران شده و در سن شصت سالگی متصدی دادگاه شده ام آن هم بعد از مدتی مدیریت کار اداری کردن، رأی وحدت رویه را اولین بار مشاهده کرده ام و مجموعه قوانین و آرا وحدت رویه به دست ما نمی رسد و فرصت و مجال مطالعه وجود ندارد از اینکه عنوان شده از شاکیه جانبداری کرده ام متعجب هستم زیرا دلیلی ارائه نشده و صرف اظهارات شاکی انتظامی کافی نیست اگر این طور می توان به سادگی هر ادعائی را پذیرفت من هم می توانم ادعا کنم آقای دادیار انتظامی از شاکی انتظامی طرفداری کرده است بنده در طول مدت در نهایت صداقت و سلامت نفس خدمت کرده ام و

مسئولین سازمان بازرسی کاملاً اینجانب را می شناسند و تاکنون صاحب یک چهار دیواری نشده ام و مستأجر هستم و تنها با حقوق دریافتی از دادگستری امرار معاش کرده ام آیا قابل تصور است در آخر دوران خدمت از شخصی طرفداری کنم و حیثیت خود را به نابودی بکشانم، استدعای معافیت از مجازات و صدور حکم برائت خود را دارم.

دادگاه با بررسی اوراق پرونده و استماع اظهارات آقای... معاونت محترم دادسرای انتظامی قضات مبنی بر با توجه به مدافعات آقای... قاضی مشتکی عنه صدور حکم شایسته مورد تقاضاست با قرائت گزارش تنظیم شده و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی دادگاه:

در خصوص تخلفات انتظامی منتسب به آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران، در رسیدگی به پرونده کلاسه... آن شعبه موضوع شکایت خانم (ف. پ) از شوهرش آقای (ع. ک)، دایره به ترک انفاق، که به موجب کیفرخواست تنظیم شده دادسرای انتظامی آقای...، در مظان جانبداری تعدی از زوجه و عدم پذیرش کفیل معرفی شده از سوی زوج قرار گرفته و به استناد قسمت اخیر ماده (۲۰) نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات درخواست مجازات او شده است دادگاه با عنایت به مندرجات و مفاد و مدلول گزارش مورخ ۸۱/۲/۱۱ آقای دادیار دادسرای انتظامی قضات و با التفات به متن احکام مراجع بدوی و تجدیدنظر صادر شده در خصوص مورد شکایت و با توجه به مدافعات آقای قاضی مشتکی عنه که به شرح لایحه تقدیمی مضبوط در پرونده امر به صراحت طبع و بر سبیل صداقت و خلوص اظهار داشته که سالهای متمادی از جریان کار قضائی به دور بوده و مجال و فرصت مطالعه احکام وحدت رویه را نداشته و هیچگونه تعدی در عدم پذیرش کفیل و صدور حکم محکومیت علیه شاکی انتظامی نداشته و چنانچه اظهار نظری مغایر با ضوابط نموده، صرفاً مبتنی بر قصور و غفلت بوده نه تقصیر و تعدد و لذا با پذیرش مدافعات آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران در مورد نداشتن تعدد در عدم پذیرش کفیل و جانبداری و به لحاظ انطباق مورد با قسمت اول ماده (۲۰) نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات از حیث عدم توجه به مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳-۷۸/۲/۱۴ هیأت عمومی دیوانعالی کشور به هنگام اتخاذ تصمیم قضائی در پرونده مورد شکایت، به استناد صدر ماده (۲۰) نظامنامه مذکور، آقای... به پرداخت کسر عشر حقوق در چهار ماه محکوم می شود.